



به نام خدا

گزیده بیانات رهبر در رابطه با روشنفکری در جمع دانشگاهیان

روشنفکری (۳)

در جریان مسائل عظیم کشور، روشنفکران با همین خصوصیات حضور داشتند؛ اما در حاشیه. در قضیه ۲۸ مرداد، هیچ مبارزه حقیقی از جانب روشنفکران صورت نگرفت.

بعد به قضیه پانزده خرداد میرسیم که بزرگترین حادثه‌ای بود که در قرن حاضر در کشور ما، میان مردم و رژیم حاکم اتفاق افتاده بود. در پانزده خرداد، سخنرانی امام رضوان‌الله‌علیه در قم و در روز عاشورا، آن‌چنان ولوله‌ای ایجاد کرد که یک شورش عظیم مردمی، بدون هیچ گونه رهبری مشخصی در تهران، فردا و پس‌فردای آن روز به راه افتاد. اسنادی هم چاپ شده که نشان‌دهنده مذاکرات هیأت دولت برای مقابله با این حادثه در همان روزهاست. شما ببینید، آن سخنرانی و آن حضور مردم، چه زلزله‌ای به وجود آورده بود. حرکت امام، با قویترین شکلی که ممکن بود انجام گیرد، انجام گرفت و مردم را به حرکت درآورد. بعد هم سربازان رژیم به خیابانها آمدند و مردم را به گلوله بستند. چند هزار نفر - که البته آمار دقیقش را هرگز ما نتوانستیم بفهمیم - در این ماجرا کشته شدند و خونها ریخته شد.

آل احمد در همین کتاب «خدمت و خیانت روشنفکران» میگوید: روشنفکران ایرانی ما - به نظرم چنین تعبیری دارد - دست خودشان را با خون پانزده خرداد شستند! یعنی لب تر نکردند! همین روشنفکران معروف؛ همینهایی که شعر میگفتند، قصه مینوشتند، مقاله مینوشتند، تحلیل سیاسی میکردند؛ همینهایی که داعیه رهبری مردم را داشتند؛ همینهایی که عقیده داشتند در هر قضیه از قضایای اجتماعی، وقتی آنها در یک روزنامه یا یک مقاله اظهارنظری میکنند، همه باید قبول کنند، اینها سکوت کردند! این قدر اینها از متن مردم دور بودند و این دوری همچنان ادامه پیدا کرد. نابرین، بدترین کاری که ممکن بود یک مجموعه روشنفکری در ایران بکند، کارهایی بود که روشنفکران ما در دوره پانزده ساله نهضت اسلامی انجام دادند؛ به کل کنار رفتند! نتیجه هم معلوم شد: مردم مطلقاً از آنها بریدند. البته تا حدودی، تعداد خیلی معدودی وسط میدان بودند. از جمله خود مرحوم آل احمد بود. حتی شاگردان و دوستان و علاقه‌مندانش وارد این میدان نشدند؛ خیلی دوردور حرکتی کردند.

تمام طول این سالهای متمادی، بیشترین تعداد زندانیان را، زندانیان مربوط به نهضت امام تشکیل میدادند؛ چون تلاششان، تلاشی بود که دستگاه را به ستوه میآورد. این چهره‌های معروفی که همه میشناسید، زندان رفتند و ساعت‌های متمادی زیر شکنجه فریاد کشیدند؛ اما آن آقایان نه!

البته بعضی از اینها که به خاطر چیز مختصری به زندان میافتادند، تقریباً به فوریت به توبه‌نامه میرسیدند! الان در میان همین چهره‌های معروفی که میخواهند عامل ارتجاع روشنفکری در زمان ما شوند - که بعد عرض میکنم - کسانی بودند که در زندان نامه مینوشتند و التماس و گریه میکردند! ما اینها را کاملاً از نزدیک میشناسیم؛ خودشان هم میدانند که ما آنها را میشناسیم؛ اما جوانان اینها را نمیشناسند. آن مجموعه آن روز، تا زمان انقلاب نشان داد که یک قشر غیر قابل اعتماد برای رهبری فکری مردم است.

البته یکی، دو سال به انقلاب، حرکتی به وجود آمد. این حرکت هم به این شکل بود که موج نهضت، با بار معرفتی و اعتقادی خودش، وارد محافل گوناگون شد. خیلیها بودند که به اسلام اعتقاد نداشتند؛ اما به برکت نهضت،



گزیده بیانات رهبر در رابطه با روشنفکری در جمع دانشجویان

روشنفکری (۳)

اسلام اعتقاد پیدا کردند. خیلی از دختران بودند که به حجاب هیچ اعتقادی نداشتند؛ اما در دوران نهضت، بدون این که کسی به آنها حتی یک کلمه بگوید، خودشان باحجاب شده بودند؛ یعنی نهضت امام، نهضت اسلامی، با گسترش خودش، با اوج خودش، با کربلایی شدن خودش، هرچه بیشتر تلفات میداد، هرچه بیشتر شهید میداد، هرچه بیشتر فدایی میداد، طرفداران بیشتر و پیام گسترده‌تری پیدا میکرد. هرچه پیام انقلاب پیش میرفت، پیام نهضت هم که همان پیام دین و پایبندی به اصول و معارف اسلامی بود، گسترش پیدا میکرد و البته مجموعه‌ای را هم شامل شد. اینها - اشخاص مشخصی که البته من نمیخواهم اسم بیاورم - وارد میدان شدند، تا انقلاب شد.

بعد از پیروزی انقلاب، روشنفکری در ایران برنیفتاد - روشنفکری وجود داشت - اما در واقع یک روشنفکری نوین به وجود آمد. در دوره انقلاب، شاعر، نویسنده، منتقد، محقق، کارگردان، سینماگر، نمایشنامه‌نویس و نقاش، از دو قشر پدید آمد: یکی از عناصری که انقلاب اینها را به وجود آورده بود و دوم عناصری که از دوره قبل بودند و انقلاب اینها را به کلی قلب ماهیت کرده بود. برای اولین بار بعد از گذشت تقریباً صد سال از آغاز تحرک روشنفکری در ایران، روشنفکری بومی شد. آن کسانی که در مقوله‌های روشنفکری فعالیت کردند و در مرکز دایره روشنفکری قرار دارند - یعنی نویسندگان و شعرا - تا برسد به قشرهای گوناگون، مثل هنرمندان و نقاشان و ... اینها برای اولین بار در این کشور مثل یک ایرانی فکر کردند، مثل یک مسلمان حرف زدند، محصول روشنفکری و هنری و ادبی تولید کردند؛ این شد یک دوران جدید.